

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۸

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال دهم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۶

رابطه معنادار اندیشه مهدویت و سبک شعرانتظار

حسن دلبری^۱

فریبا مهری^۲

چکیده

دکترین مهدویت در سال‌های اخیر به گونه‌ای در سطوح و لایه‌های مختلف جامعه فراگیر شده است که تقریباً در مجموعه شعر تمام شاعران متعهد می‌توان سروده‌ای با موضوع موعود سراغ گرفت. تفکر حاکم بر این سروده‌ها گره خوردگی معناداری با سبک شعرانتظار دارد. هدف این مقاله آن است که با بررسی ویژگی‌های سبکی نوع ادبی انتظار، به این ارتباط معنادار بپردازد. در این راستا مسئله اصلی مقاله این است که در شعرانتظار به دلیل ماهیت آرمانی آن، واژه‌هایی با بار ایدئولوژیک ورود می‌کنند که به دلیل بسامد بالا جزو ویژگی‌های سبکی این نوع شعر می‌شوند. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و با تکیه بر رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای است. بدنه اصلی مقاله را بررسی تعدادی از سروده‌های انتظار شاعران معاصر، از منظر رابطه ایدئولوژی ذهنی صاحب اثر با لایه‌های سبکی شعرا و تشکیل می‌دهد و در پایان این نتیجه حاصل می‌شود که در شعرانتظار معاصر، گره خوردگی معناداری میان لایه ایدئولوژیک سبک شعر مهدوی و لایه‌های مختلف آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی، به مثابه دیگر لایه‌های سبکی اثر ادبی وجود دارد.

واژگان کلیدی

شعرانتظار، اندیشه مهدوی، سبک‌شناسی لایه‌ای، شعرآیینی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول) (Hassan.delbary@gmail.com).

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری.

ادبیات انتظار به طور عام و شعرانتظار به طور خاص با تکیه بر تفکرویه‌ای که در آن جریان دارد؛ در طول سال‌های متمادی، سبکی منحصر به خود نیز پیدا کرده است؛ تا جایی که حتی می‌توان شعرانتظار را در کنار دیگرانواع ادبی به مثابه‌ی یک ژانر مستقل بررسی کرد. فرضیه‌ای که این مقاله با تکیه بر آن شکل گرفته این است که در طول سال‌هایی که شاعران فارسی‌زبان به بیان شعرهایی با محوریت موعود پرداخته‌اند؛ میان لایه‌ی ایدئولوژیک سبک که در این مقاله، اندیشه‌ی مهدوی نامیده می‌شود و دیگر لایه‌های سبک شعرانتظار، رابطه‌ای معنادار پدید آمده است. به ویژه در دهه‌های اخیر که ادبیات انتظار و شعر مهدوی هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی با تمام ادوار پیش از خود برابری می‌کند.

بدنه‌ی اصلی مقاله، دوسویه دارد؛ از یک سو نگاهی به تفکر مهدوی، از سویی دیگر بررسی سبک شعرانتظار. در سویی سبک‌شناسی شعرانتظار، برای علمی‌تر شدن تحقیق، نیاز به الگو قراردادن یک روش پذیرفته‌ی جهانی در بررسی سبک اثر است. در این راستا نگارنده به یکی از تازه‌ترین رویکردهای سبک‌شناسی یعنی سبک‌شناسی لایه‌ای استناد جسته است؛ که امروزه به عنوان یک رویکرد در سبک‌شناسی عملی برای نقد و تحلیل بسیاری از آثار ادبی داستانی و شعری به کار گرفته می‌شود. در سبک‌شناسی لایه‌ای، اثر ادبی در پنج لایه‌ی آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک بررسی می‌شود. در ادامه‌ی مقاله به معرفی این رویکرد پرداخته خواهد شد.

بیان مسئله و روش تحقیق

مسئله‌ی بنیادین این مقاله که با هدف تحلیل لایه‌های سبکی سروده‌های انتظار نوشته شده، این است که نشان دهد، چگونه شاعران، پنج لایه‌ی آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک را در خدمت سرایش اشعار مهدویت و بیان اعتقادات قرار داده‌اند رابطه‌ی لایه‌ی ایدئولوژیک با دیگر لایه‌ها چگونه است. و این ویژگی‌ها تا چه حد توانسته است به تفردی سبکی در شعرانتظار بینجامد. مقاله به روش مطالعه‌ی موردی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است و نگارنده در این پژوهش، بر آن است تا تفکر حاکم بر این سروده‌ها را از نظرگاه پنج لایه‌ی یاد شده، بررسی کند.

پیشینه و ضرورت تحقیق

با وجود این که پژوهش‌های قابل توجهی در زمینه اندیشه مهدویت در سال‌های اخیر صورت گرفته است و حاصل این پژوهش‌ها را در نشریات علمی - پژوهشی، علمی تخصصی و برخی کتاب‌های مرتبط با دکتترین مهدویت می‌توان دید؛ متأسفانه از بعد ادبی و هنری کمتر به این مقوله نگریسته شده است. نگاهی به تحقیقات انجام شده در زمینه این پژوهش، و جای خالی پژوهش‌های مبتنی بر هنر و مهدویت، مبین ضرورت این مقاله خواهد بود. برخی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، کتاب‌ها و مقاله‌هایی هستند که به نوعی، سبک‌شناسی لایه‌ای را معرفی کرده‌اند؛ مثل کتاب *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها* نوشته محمود فتوحی رودمعجنی (۱۳۹۰)، که نویسنده در آن، به معرفی رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای که مبنای ما در نگارش مقاله حاضر بوده پرداخته است.

- مقاله «غزل نوکلاسیک و لایه‌های ایدئولوژیک سبک در آن» (دلبری و دیگران، ۱۳۹۳) در این پژوهش، نگارندگان، نگاهی از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای به شعر امروز داشته‌اند؛ اما این نگاه، تنها معطوف به قالب غزل است.

- آلتین بالیبار و پیرماشری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «در باب ادبیات به مثابه شکل ایدئولوژیک»، به رابطه ایدئولوژی و متن پرداخته‌اند اما با نگاهی معطوف به ارتباط ادبیات و تاریخ.

- محمدرضا صرّفی و مرگان ونارجی (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفّارزاده (لایه آوایی و واژگانی)» که در نشریه ادبیات پایداری چاپ شده است، شعر او را از منظر توجه به موسیقی درونی، برجسته‌سازی مفاهیم و مضامین، استفاده از ویژگی‌های نشان‌دار، تصویرسازی مخیل و عاطفی، مخاطب محوری، مفهوم‌گرایی، تأکید بر نهادینه‌سازی مفاهیم دینی، انقلابی، انسانی، اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند. با توجه به این که این شاعر معاصر سروده‌هایی در موضوع انتظار دارد؛ طبیعی است که یافته‌های این مقاله در برخی موارد به مقاله حاضر نزدیک باشد؛ اما نتایج آن مقاله به این که طاهره صفّارزاده یکی از شاعران صاحب سبک و دارای فردیت در زمینه ادبیات انقلاب اسلامی و شعر مذهبی است منتهی می‌شود.

- «کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنک وزیر» (۱۳۹۴) نیز مقاله دیگری است که نویسندگان آن، حسن دلبری و فریبا مهری، تاریخ بیهقی را با رویکرد لایه ایدئولوژیک سبک مؤلف بررسی کرده‌اند. این پژوهش در لایه‌های واژگانی، نحوی و بلاغی انجام و در پایان این نتیجه حاصل شده است که هرچند بیهقی شخصاً بر بی طرفی خود اصرار دارد؛ اما به طور ناخودآگاه و در برخی از موارد کاملاً خودآگاه، باورها و نظریات خود را در متن تسری داده است و بسامد این بازتاب به ترتیب در بخش واژگان، نحو و بلاغت دیده می‌شود.

و دسته‌ای دیگر از تحقیقات، مربوط به حوزه شعرانتظار است که عبارتند از: کتاب *صبحدم با ستارگان سپید* (۱۳۸۱) با تنظیم و گردآوری امیرمسعود طاهریان، با عنوان فرعی نگاهی به بیست و پنج سال شعر معاصر مذهبی ایران. در این کتاب، مقدمه‌ای نسبتاً مفصل درباره شعرآیینی و تاریخچه آن در ایران، به ویژه پس از انقلاب اسلامی آورده شده است. بدنه اصلی کتاب را شعرهایی از معاصران در قالب‌های مختلف از جمله قصیده، مثنوی، غزل، رباعی، دوبیتی، نیمایی و سپید با موضوعات آیینی تشکیل می‌دهد.

- کتاب *شعرآیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن* (۱۳۸۹) تألیف زهرا محدثی خراسانی. این کتاب ده فصلی تاریخچه‌ای از شعرآیینی در زبان فارسی و عربی دارد. و در ادامه نگاهی منتقدانه به اشعار نبوی، علوی، فاطمی، رضوی، مهدوی و... از سروده‌های معاصران داشته است.

علاوه بر این موارد، مقالاتی هم در عرصه شعرانتظار نوشته شده است:

- مقاله «بررسی تطبیقی سیمای مهدی علیه السلام در شعر معاصر فارسی و عربی» (مورد پژوهانه: اشعار سیدرضا موسوی هندی، شیخ ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین پور) (۱۳۹۲) چاپ شده در کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی کرمانشاه. نویسندگان این مقاله با نظرداشتی به مدینه فاضله‌ای که گره خوردگی عمیقی با دکتربین مهدویت دارد به بررسی سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر معاصر فارسی و عربی پرداخته‌اند.

- «بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین پور و سلمان هراتی» (۱۳۹۱) نوشته احمد امیری خراسانی و قاسم صدقیان زاده، پژوهش دیگری است

که در آن نویسندگان کوشیده‌اند با تکیه بر آثار دو شاعر معاصر (امین پور و هراتی)، ماهیت پایداری مسئله انتظار را در جریان شعری دفاع مقدّس مورد بررسی قرار دهند. - مقاله دیگری که با موضوعیت انتظار و ادبیات معاصر کار شده است « بررسی واژه‌شناختی زبان شعر انتظار » (۱۳۸۹) نوشته مهیار علوی مقدّم و زهرا بهرامیان، است. نگارندگان هدف از این مقاله را نقد و تحلیل و بررسی شعر انتظار در عرصه ادبیات معاصر و پس از انقلاب، از دیدگاه زبانی و بسامدی واژگان، تحلیل واژه‌شناختی و کارکردهای زبانی این گونه شعر و چگونگی پیوند با کارکردهای درون‌مایه‌ای آن معرفی کرده‌اند. با توجه به آن چه آمد و با وجود مواردی که یاد شد موضوع مقاله حاضر در نوع خود مسبوق به سابقه‌ای نیست و امید است بتواند برای محققانی که در این زمینه به تحقیق می‌پردازند راه‌گشا باشد.

بحث

سبک‌شناسی (Stylistics) عبارت است از دانش شناسایی شیوه کاربرد زبان در سخن یک فرد، یک گروه، یک متن یا گروهی از متن‌ها. «در تحلیل سبک‌شناسانه متن، بنا نیست هر فرم یا ساختاری را مورد بررسی قرار دهیم؛ بلکه اساس کار ما را فرم‌ها یا ساختارهایی تشکیل می‌دهند که برجسته‌تر از دیگران‌اند» (وردانک، ۱۳۹۳: ۲۵). بنیاد کار این دانش بر تمایز، گوناگونی و گزینش زبانی در لایه‌های زبان (آوایی، واژگانی، نحوی، معنایی و بلاغی) استوار است. این بررسی از طریق تحلیل صورت‌های زبانی مانند تکیه‌ها، آواها، واژه‌ها، ساخت‌های دستوری، لحن، صدای دستوری، معانی ضمنی، بلندی و کوتاهی جملات و ساخت‌های استعاری و مجازی زبان شکل می‌گیرد. در سبک‌شناسی لایه‌ای، اثر ادبی از منظر پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، معنی‌شناختی و ایدئولوژیک، بررسی می‌شود. مطالعه زبان بر اساس لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی، معناشناسی و کاربردشناسی از مبانی زبان‌شناسی است و سبک‌شناسان هم، بر اساس این سطوح زبانی، به مطالعه سبک پرداخته‌اند. در قدمت این روش باید گفت که جفری لیچ و مایکل شورت در کتاب *سبک در داستان* (۱۹۸۱)، این روش را برای بررسی سبک سه داستان کوتاه در چهار سطح معنایی، نحوی،

نویسه‌شناسی و آوایی به کار برده‌اند و هم‌چنین سیمپسون در کتاب *سبک‌شناسی* (۲۰۰۴) و الیزابت بلک نیز در *سبک‌شناسی کاربردی* (۲۰۰۶) به همین روش، مطالعه‌ی لایه‌های متن را اساس کار خود قرار داده‌اند.

سبک‌شناسی لایه‌ای، کار تحلیل سبک اثر را از واحدهای کوچک‌تر زبانی (خردلایه‌ها)، آغاز و به سوی واحدهای بزرگ‌تر (کلان لایه‌ها)، پیش می‌برد. خردلایه‌ها واحدهای کوچکی از نوع واج، تکواژ، واژه، عبارت و بند هستند که در سطوح گسترده‌تر، در ساختمان کلان لایه‌هایی چون یک متن، آثار یک مؤلف، یک نوع ادبی یا آثار یک دوره تاریخی، مشخصات سبکی را نشان می‌دهند. بررسی‌های سبک‌شناسانه متون شعر در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک صورت می‌گیرد (رک: فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۰: ۲۴۰-۲۳۸).

در ادامه هرکدام از این لایه‌ها معرفی و مصادیقی از شعرانتظار که مرتبط با آن لایه‌ی سبکی است با توضیحی مختصر آورده می‌شود.

لایه آوایی شعرانتظار

از دید زبان‌شناسان، زبان مجموعه پیچیده‌ای از نظام‌های مجرّد و ذهنی است و در مقابل، آوا پدیده‌ای کاملاً مادی است؛ زیرا، در تعریف آن آمده که آوا، به صوت یا اصواتی گفته می‌شود که طی فرآیند بازدم، در اثر برخورد هوا با اندام‌های گویایی مانند حنجره، دهان، زبان و لب‌ها به وجود می‌آید (رک: باقری، ۱۳۸۳: ۹۴)؛ بر همین اساس درباره ارتباط آوا و زبان باید گفت، با این که نمی‌توان آوا را به مناسبت مادی بودنش جزئی از نظام ذهنی زبان - آن‌گونه که زبان‌شناسان به آن باور دارند - به شمار آورد؛ اما از آن جایی که زبان در بستر آوا نمود یافته و محسوس و عینی می‌شود، نمی‌توان رابطه تنگاتنگ و عمیق میان زبان و آوا را هم نادیده گرفت (رک: حق‌شناس، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۲). هر هجا، واژه، جمله، بند و در مقیاس بسیار بزرگ‌تر، هرمتنی که تولید می‌شود، حاصل همین سازه‌های بنیادین آوایی است.

در لایه آوایی شعرانتظار، نحوه کاربرد اصوات و واحدهای آوایی و نقش و کارکرد بیانی آن‌ها در زیبایی‌شناسی سخن ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان از رهگذر بررسی واج‌ها و آواها به تحلیل دقیقی از موسیقی شعر مهدوی دست یافت. نویسنده کتاب

سبک‌شناسی، روش‌ها، نظریه‌ها و رویکردها معتقد است تحلیل‌های سبک‌شناسانه در این لایه، تنها در پی بررسی نظام آوایی نیست؛ بلکه می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که کاربرد خاص الگوهای آوایی و واجی زبان، تا چه اندازه می‌تواند موجب برجستگی آن از کلام معیار و آشنای ذهن شود. او در ادامه به متغیرهایی اشاره می‌کند که می‌توان آن‌ها را در شمار عوامل مؤثر بر تفاوت‌های آوایی قلمداد کرد. به باور وی، این تفاوت‌های آوایی، خود محصول عواملی چون متغیرهایی جغرافیایی، تاریخی، سنی، جنسیتی، طبقاتی و... می‌باشند (رک: فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۴۸-۲۴۳).

در سروده‌های محتوآگرا به طور عام و سروده‌های آرمانی به طور خاص، نه تنها آواها به موسیقی شعر کمک می‌کنند که حتی به تصرف معنا نیز درمی‌آیند و شعرانتظار از این واقعیت مستثنی نیست. به عنوان مثال در غزل زیر هم وزن شعر شورانگیز است هم حروف شاد به کار گرفته شده، ارتباط ناگسستنی میان تفکر شورانگیز شاعر در مورد موعود و لایه آوایی سبک او را تقویت می‌کنند:

رقص رقص ذوالفقار توست دیگران در باد می‌رقصند

باد تا بوی تومی‌آرد دشتی از شمشاد می‌رقصند...

عاقبت بعد از کسوفی تلخ، نقشه خورشید می‌گیرد

بعد از آن در جشن اشک و شوق، اهل عشق آباد می‌رقصند

(میرجعفری، ۱۳۷۸: ۸۶)

می‌بینیم که جز در نیمه اول مصراع اول از بیت دوم که فضایی ناشاد دارد و لازم است حروف سرد و سنگین بیایند در تمام این دو بیت (و البته در تمام غزل که مجال آوردن آن نیست) حروفی شادی بخش تکرار می‌شوند و واژه‌های درخشان زبان فارسی در آن به وفور بازتاب دارند و واژه‌های درخشان زبان فارسی عبارتند از «ا» و «آ». این واج‌ها برای بیان صداها بلند و هیاهو به کار می‌روند... و نیز سرو صداها را رعدآسا (قویمی، ۱۳۸۳: ۳۱). در مقابل، وقتی فضای سرد و یأس‌آلود نیامدن موعود بر ذهن و تفکر شاعر، سایه می‌افکند حروف سردی که تداعی معنی یأس می‌کنند فضای شعر را به تصرف خود درمی‌آورد بسامد واج سایشی لثوی «س» در بیت‌های زیرمبین این ادعاست:

بیا که بی تو شد آینه، سنگ، گوهر، سنگ
درخت، سنگ شد و بال هر کبوتر، سنگ
پوش چشم از این سنگ‌های آب‌نما
سراب می‌چکد از این کویریکسر سنگ
زنسل لاله نگفتم و سرخ ننوشتیم
کنون که دست نشد چوب و نیست خنجر سنگ

(شمسی پور، ۱۲: ۱۳۷۶)

نمود دیگری از هماهنگی آوا و معنا همکاری «آ» و «آه» در سروده زیر است. مطابق نظر زبان‌شناسان حرف «آ» ضمن این که بر بلندی جایگاه دلالت دارد هر جا فضای شعر به تصرف آه و حسرت درمی‌آید؛ این حرف به کمک شاعر نیز می‌آید.

آقا! دروغ‌ها همه باور شدند، آه خورشیدهای سوخته، پیر شدند، آه
جای درخت‌های بلند بهشت پوش با بوته‌های خار برابر شدند، آه
یوسف بیا که مردم آبادی هبوط با گرگ‌های بیشه برادر شدند، آه
از بس نگاه ناز تو با ما غریبه است آینه‌های شهر مکدر شدند، آه
از شوق بام‌های بلند نگاه تو این کودکان خسته کبوتر شدند، آه
(حسین‌خانی، ۱۳۸۷: ۳۰)

در همین چند بیت از این غزل بیش از سی مورد واج «آ» به کار رفته است که به کمک واژه «آه» حسرتی مضاعف را تداعی می‌کند.

۱. لایه واژگانی شعر انتظار

اولین و مهم‌ترین ابزار نویسنده یا شاعر در حمل اندیشه‌ها و عواطف، واژگان اوست و بر همین اساس کاملاً طبیعی است که اولین برخورد خواننده با متن و دریافت او از آن چه که نویسنده مد نظر داشته است، نیز از طریق همین واژه‌ها و در راستای آن‌ها صورت پذیرد و شاید از همین روست که برخی از زبان‌شناسان برای واژه اهمیت‌تی حتی فراتر از یک ابزار قائلند؛ چنان که شک洛夫سکی واژگان را نه تنها ابزار دست نویسنده هنرمند؛ که آن را ماده اصلی کار او می‌داند (ر.ک: خلیلی جهان‌تیغ، ۱۳۸۰: ۱۷۵).

لایه واژگانی سبک، محل بررسی نوع واژه‌هایی است که یک نویسنده یا شاعر به کار

می‌برد. اهمیت بررسی واژگان در سبک یک متن، تا آن جاست که بسیاری سبک را هنر واژه‌گزینی می‌دانند (simpson, 2004:4). هر واژه در واقع تباری تاریخی و اجتماعی دارد که با بخشی از ذهنیت فرد نویسنده همراه شده است (رک: صدیقی، ۱۳۹۰: ۲۴۹) و بیانگر نگرش او به جهان و مسائل پیرامون وی می‌باشد.

لایه واژگانی سبک در شعر انتظار، طیف واژه‌هایی را مدنظر دارد که آفریننده متن به کار می‌برد تا به کمک آن به برجسته‌سازی مفاهیم ذهنی مرتبط با مقوله انتظار، برسد؛ زیرا بنابر کاربرد نوع واژه‌هاست که گونه‌های متفاوت سبک، شکل می‌گیرد.

به عنوان نمونه در مثنوی زیر، شاعر با کاربرد واژه‌های «بقچه» و «حمام» برای بیان تفکری که در زمینه ظهور داشته است و از سویی دیگر با شناختی که از مرفهین بی‌درد زمانه خود دارد زبان جدی خود را به سمت طنز برده است:

ترسم آن روز که از قله فرود آید مرد سیصد و سیزده آدم نتوان پیدا کرد
ترسم آن روز که مردان سرانجام آیند این جماعت همه با بقچه ی حمام آیند
(کاظمی، ۱۳۹۲: ۴۶)

مخصوصاً کاربرد واژه «ترسم» که در این موارد به جای معنای ترس، در واقع، نگرانی از اتفاقی است که گویا شاعر به آن یقین دارد؛ چنان‌که حافظ نیز هرجا می‌گوید «می‌ترسم» یا «ترسم» در حقیقت غیرمستقیم می‌گوید «گویا دارم می‌بینم که...»:

ترسم که صرفه‌ای نبرد روز بازخواست نان حلال شیخ ز آب حرام ما
(حافظ، ۱۳۷۷: ۸)
ترسم که روز حشر عنان بر عنان رود تسبیح شیخ و خرقة رند شراب خوار
(همو: ۱۶۶)

در تحلیل لایه واژگانی سبک، واژگان از نظر حسی یا انتزاعی بودن، بررسی می‌شوند و بسامد آن‌ها تعیین می‌گردد. شعر انتظار از آن‌جا که با مقوله‌ای عینی سروکار دارد که یک بُعد آن وابسته به عقیده معنوی و انتزاعی غیبت است؛ هردو دسته واژگان را در خود دارد. آن‌جا که تولد موعود، امیدبخشی آمدن یا التماس برای ظهور مطرح است واژه‌های حسی، دست‌مایه خلق تصاویر شعری قرار می‌گیرند. تقریباً تمام واژه‌های غزل زیر ازین دست هستند:

دست تو باز می‌کند پنجره‌های بسته را
هم تو سلام می‌کنی رهگذران خسته را
دوباره پاک کردم و به روی رف گذاشتم
آینه قدیمی غبار غم نشسته را
پنجره بی‌قرار تو کوچه در انتظار تو
تا که کند نثار تولالۀ دسته دسته را...
این دل صاف کم‌کمک شده است سطحی از ترک

آه شکسته ترمخواه آینه شکسته را
(محمودی، ۱۳۶۹: ۱۰۰)
و در موضعی که شاعر تفکر غیبت، ابهام ظهور و لوازم آن را مدنظر دارد بیشتر، واژه‌های
غیرحسی با تفکر او گره می‌خورند مثل واژه‌های «آبی‌ترین فانوس‌ها، خمیازه قاموس‌ها،
ققنوس، اشراق نگاه، حلقه کابوس، و...» در این شعر:

شب که روشن می‌شود آبی‌ترین فانوس‌ها
یاد چشمان تومی‌افتم در اقیانوس‌ها
قرن‌ها بیهوده می‌گردم نمی‌یابم تو را
از تونامی نیست در خمیازه قاموس‌ها
با کدامین شعله رقصیدم که بی‌توسال‌هاست
بال می‌گیرند از خاک‌سترم ققنوس‌ها
مهربان من به اشراق نگاه شرقی‌ات
کی رهایم می‌کنی از حلقه کابوس‌ها...

(نظاری به نقل از طاهریان، ۱۳۸۱: ۱۵۰-۱۴۹)

علاوه بر این، میزان خلق واژه‌های نو یا کاربرد واژه‌های کهن که اصطلاحاً با عنوان
آرکائیسیم از آن یاد می‌شود، یکی دیگر از بخش‌های مورد توجه در لایه واژگانی است.
کاربرد هریک از این واژه‌ها با بسامد بالا، موجب پیدایش سبک‌های فردی و شخصی
است و از سویی دیگر مبین تفکر شاعر در زمینه مورد سرایش. مثلاً قادر طهماسبی نشان

داده است که در شعرزبانی کهنه ندارد اما همین شاعر وقتی به مهدویت می‌پردازد ترجیح می‌دهد تفکر خود را رنگی از باستان‌گرایی ببخشد و به مقوله انتظار، نگاهی آرکائیک داشته باشد که اتفاقاً موفق هم می‌شود. واژه‌های «بت»، «جمال»، «غارت دل»، «سوداییان»، «خُم»، «می»، «باده» و... در غزل زیر در همین راستا به خدمت شاعر درآمده‌اند:

بتی که راز جمالش هنوز سر بسته است به غارت دل سوداییان کمر بسته است...
به یازده خُم می‌گرچه دست ما نرسید بیار باده که یک خم هنوز سر بسته است
(طهماسبی، ۱۳۷۵: ۳۹)

گزینش وچیدمان واژگان متن نیز از محورهای قابل توجه در بحث لایه واژگانی سبک است. هرچند واژه‌ها طبق اصول و قواعد دستوری خاصی ساخته می‌شوند، اما از آن جا که «هر واژه به دلیل واژگان هم جوارش غنای نهایی و ژرفش را آشکار می‌کند و دلالت‌های معنایی تازه‌تری می‌یابد» (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۲۹)، نحوه چینش آن‌ها، از توانایی و خلاقیت صاحب متن حکایت می‌کند. در شعر مهدوی به تناسب ایده‌ای که شاعر با تکیه بر تفکر خود دارد واژه‌گزینی تغییر می‌کند گاه شاعر با حسرتی ممتد نیامدن موعود را آه می‌کشد و شاکله شعر او را واژه‌هایی با همین محوریت تشکیل می‌دهند. واژه‌هایی مثل «غم»، «غریب»، «خرابه»، «دشنه‌زار»، «کور»، «عزا» و...:

باز هم بگیرای دل غم آشنا بگیر آسمان! بیار و جانب دل مرا بگیر
بی تو کنج این خرابه‌ها غریب مانده ایم باز هم بیا سراغ ازین غریبه‌ها بگیر
دشنه‌زار بی نهایی است دشت روبه‌رو زیربازوان دوستان کور را بگیر
باز جمعه‌ای گذشت و حاجتم روا نشد ای دل ای دل امیدوار من عزا بگیر
(شکارسی، ۱۳۷۵: ۹)

و گاه حسرت نیامدن را دارد؛ اما با نگاهی مثبت و امیدوارانه بهاری را که می‌آید ترسیم می‌کند این جاست که واژه‌های حسرت‌آلود مبدل به واژه‌های بهاری و امیدبخش می‌شوند:

آه می‌کشم تو را با تمام انتظار پُر شکوفه کن مرا ای کرامت بهار
در رخت به انتظار صف به صف کاروانی از شهید، کاروانی از بهار
(قزوه، ۱۳۷۸: ۲۵)

یا فضای بسیار امیدبخش این غزل که در سایه واژه‌گزینی مناسب شاعر شکل گرفته و

تفکر امیدوارانه او را تداعی می‌کند:

فروغ بخش شب انتظار آمدنی است رفیق آمدنی غم‌گسار آمدنی است
به خاک کوچه دیدار آب می‌پاشند بخوان ترانه بزن تار یار آمدنی است
(امیری اسفندقه، ۱۳۷۸: ۷)

۲. لایه نحوی شعر انتظار

یکی از مهم‌ترین بخش‌های پژوهش در زبان‌شناسی، تحلیل و بررسی ساختار نحوی زبان است که در سطح جمله انجام می‌شود. نحورا بررسی قواعد حاکم بر شیوه ترکیب واژه‌ها و شکل گرفتن جمله در یک زبان تعریف کرده‌اند که با اندیشه و نگرش صاحب اثر پیوند عمیقی برقرار می‌کند؛ آن‌گونه که با جست‌وجوی سبک متن در سطح نحوی، می‌توان به ایدئولوژی‌های مسلط بر آن دست یافت.

مسئله نظم دستوری جمله و رابطه نحو و سبک را موضوع کهنی می‌دانند که پیشینه آن به زمان لونگینوس، حکیم و سیاست‌مدار سُرانی قرن اول میلادی، می‌رسد. (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۹) امروزه با در نظر گرفتن متغیرهای تأثیرگذاری چون متغیرهای گفتار و نوشتار، تاریخی، جغرافیایی، سنتی و تحصیلات که بر ساخت‌های نحوی و در نتیجه پیدایش سبک‌های گوناگون تأثیر دارد، واکاوی‌های نحوی، از بررسی کیفیت چینش واژه‌ها و رابطه آن‌ها با دیگر عناصر جمله، فراتر رفته و در سطحی بالاتر، در محورهایی چون چیدمان جملات، طول یا کوتاهی و بلندی جملات، وجهیت یا مدالیت، زمان افعال و صدای دستوری به تحلیل سبک می‌پردازد.

خروج از چیدمان طبیعی جملات، هنجارگریزی‌های نحوی را سبب می‌شود؛ از آن‌جا که پایه پژوهش‌های نحوی در بررسی‌های سبک‌شناسی، زبان معیار یا درجه صفر نگارش است؛ متن هرائری باتوجه به نحو پایه، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا هنجارگریزی‌های سبکی آن متمایز شود؛ این بدان معناست که وقتی زبان از مدار نحو طبیعی خود خارج می‌شود، از تغییر مسیر اندیشه و نگرش صاحب متن حکایت می‌کند؛ به عنوان مثال هرگاه در سطح جمله و خارج از نحو پایه، سازه‌های بنیادینی چون فاعل، مفعول، متمم و... جابه‌جا می‌شوند - که اصطلاحاً با عنوان «جای‌گردانی نحوی» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۳) از آن یاد می‌شود - در حقیقت، تأکید و جایگاه والایتی را به خود اختصاص داده‌اند که گویای گزینش هدفمند و آگاهانه پدیدآورنده متن است؛ از همین روی، آن‌چه در بررسی

لایه نحوی سبک در کانون توجه قرار می‌گیرد، چیدمان‌های نشان‌داری است که به دلیل تأکید بر بخش خاصی از کلام، از هنجار متعارف نحوی خارج شده‌اند. یکی از ویژگی‌های بارز نحوی در شعر انتظار به وجهیت یا مدالیته برمی‌گردد که از دیگر ابعاد نحوی شعر در انعکاس محتوا نقش پررنگ‌تری دارد؛ تا جایی که مستقیماً به رابطه معنادار تفکر مهدوی و سبک شعری کمک می‌کند. به این معنا که همواره تلقی‌گوینده یا عقیده‌او درباره میزان درستی یا نادرستی هر موضوعی، همیشه در وجه کلام وی مشخص است و از طریق بررسی وجهیتی که در فعل‌ها، صفت‌ها و قیده‌های متن دیده می‌شود، قابل ردیابی و تحلیل می‌باشد.

نوع زمان فعل‌ها در شعر انتظار، گویای زاویه دید، ذهنیت و فاصله‌گوینده با واقعیت است؛ چنان‌که زمان حال بیش از گذشته قطعیت دارد. کاربرد مضارع اخباری، قیده‌های زمان (اکنون، حالا، حُب) و صفت‌ها و ضمائر اشاره‌ای نزدیک (این و همین)، بیانگر پیوند مستقیم‌گوینده با موضوع مورد بحث است و گاه شاعر با به‌کارگیری این وجه از زبان جایگاه اندیشه ظهور را در ذهن خود با وجهیت نحوی بیت پیوند می‌زند. به عنوان مثال در بسیاری از شعرهای انتظار، وجه امری، پرسشی و تمنایی قوی‌تر از دیگر وجوه است.

در وجهیت یا مدالیته که یکی از کانون‌های بازتاب ایدئولوژی نویسنده در نحو اوست که بیشترین نمود آن در فعل، قید و صفت دیده می‌شود. وجهیت فعل، صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمتی، تأکید، امید و برخی امور دیگر دلالت می‌کند (ر.ک: فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۸) هر کدام از این وجوه ما را به نهفته‌های ذهنی صاحب اثر رهنمون می‌شود؛ چنان‌که وجوه «اخباری مثبت یا منفی، تحقق مثبت یا منفی را ابلاغ می‌کند، تعجبی یا تأثیری، بیان گرا احساس حاکم بر اظهارات حقیقی است و پرسشی، عدم تحقق همراه با درخواست را می‌رساند و امری اراده همراه با تقاضا را» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۱۳۰). زمانی که فرشیدورد و وحیدیان کامیار این نظرات را مطرح کرده‌اند قطعاً به شعر انتظار نظر نداشته‌اند اما در نگاهی به نمونه‌های این نوع شعر که در ادامه می‌آید درستی این نظرات و رابطه معنادار تفکر مهدوی و لایه نحوی شعر انتظار را تقویت می‌کند.

الف) وجه امری

شکفت غنچه و بنشست گل به بار، بیا دمید لاله و سوری ز هر کنار، بیا

بهار آمد و نشکفت باغ خاطر ما توای روان سحر روح نوبهار، بیا
 چه مایه صبر مگر هست بی قراران را زحد گذشت دگر رنج انتظار، بیا
 ز هر کرانه شقایق دمید از دل خاک پی تسلی دل های داغدار، بیا...
 طلایه دار تواند این مبشران ظهور به پاس خاطراین قوم حق گزار، بیا
 در این کویر که سوزد روان موج سراب توای سحاب کرم ابر فیض بار، بیا
 ز دست برد مرا شور عشق و جذبه شوق قرار خاطر محزون بی قرار، بیا
 (شاهرخی، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۸)

البته لازم به یادآوری است که در این موارد هم، امری که به کار می رود رنگ و بویی از تمنا دارد.

ب) وجه پرسشی

تنگ شد در این قفس ما را نفس، کی خواهی آمد؟
 یک نفس ای دوست باقی مانده پس کی خواهی آمد؟
 چشم بر راه تو آخر چند بنشینیم گریان
 باز گوی آخرین فریاد رس کی خواهی آمد؟...
 (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۹۳-۱۹۴)

ج) وجه تمنایی

خدا کند که بهار رسیدنش برسد
 شب تولد چشمان روشنش برسد
 چو گرد بر سر راهش نشسته ام شب و روز
 به این امید که دستم به دامنش برسد
 هزار دست پراز خواهش اند و گوش به زنگ
 که آن انارترین روز چیدنش برسد
 چه سال ها که در این دشت خوشه چین ماندم
 که دست خالی شوقم به دامنش برسد
 بر این مشام و بر این جان چه می شود یارب
 نسیمی از چمنش بویی از تنش برسد

خدای من دل چشم انتظار من تا چند
 به دور دست فلک بانگ شیونش برسد
 چقدر بر لب این جاده منتظر ماندن
 خدا کند که از آن دور توسنش برسد
 (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۴۸-۴۹)

لایه بلاغی شعر انتظار

حوزه بلاغت عرصه حضور زیباترین، کوتاه‌ترین و در همان حال، کارآمدترین مفاهیم ادبی است. هر اثر ادبی بسته به نوع و کارکرد آن، کاربردهای بلاغی خاصی را در خود بازتاب می‌دهد. از گذشته‌های بسیار دور در ادب فارسی مقوله بلاغت با شعر پیوندی دیرینه دارد. با این همه؛ بسته به این که هر اثر ادبی چه بافتی را انتخاب کند و روی چه ایدئولوژی و گفتمانی بنا شده باشد، گرایش خود را به گروه خاصی از صنایع ادبی بیشتر نشان می‌دهد؛ چنان که در متن‌هایی که الگوی ایدئولوژیکی آزادی خواهی بر آن سایه افکنده، نوع صنعت غالب آن‌ها، تعریض و کنایه است و بیشتر در قالب طنز و هجو ارائه می‌شود و در متونی که الگوی آن‌ها، بیشتر ایده آل‌گرا و تعالی‌نگر و دنبال‌کننده مدینه فاضله ذهنی صاحب اثر است، صنعتی که به وفور دیده می‌شود، نماد است (رک: فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۶۱-۳۶۰). در تأیید همین نظر پس از بررسی سروده‌های انتظار از منظر لایه بلاغی سبک این نتیجه حاصل شد که رویکرد غالب شاعر امروز در شعر انتظار مبتنی بر نمادگرایی است. شاید بر همین اساس است که برخی از صاحب‌نظران برآنند که «ادبیات را باید همواره در پیوندی جدایی‌ناپذیر با زندگی اجتماعی، بر پایه زیربنای عوامل تاریخی و اجتماعی که بر نویسنده تأثیر گذاشته‌اند، در نظر گرفت» (اسکارپیت، ۱۳۷۴: ۱۳).

لایه بلاغی سبک، هم بر برونه زبان تأثیر می‌گذارد که در شعر انتظار آرایه‌های بدیع لفظی را سبب می‌شود و هم بر درونه آن که آرایه‌های بیانی و بدیع معنوی را شکل می‌دهد. منظور از برونه زبان در حوزه بلاغی، آن دسته از مولفه‌هایی است که صورت زبان را برجسته می‌کند و به آن وجوه ادبی می‌بخشد. از این دسته با نام آرایه‌های بدیعی یا صناعات بدیع لفظی یاد می‌شود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به بازی با الفاظ،

تداعی‌های صوتی، قرینه‌سازی‌ها، سجع‌ها، جناس‌ها، واج‌آرایی و... اشاره کرد که در لایهٔ آوایی سبک مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرند.

دستهٔ دوم آرایه‌ها که بر درونۀ زبان تأثیر می‌گذارند، شامل صورت‌هایی مجازی هستند که ذهنیات، عواطف و تخیلات شخصی صاحب اثر در آن‌ها نمودار می‌شود؛ عناصری چون مجاز، استعاره، کنایه، تمثیل، حس‌آمیزی، نماد و... از برجسته‌ترین آن‌هاست. این دسته از صناعات ادبی با اندیشه و محتوای متن مرتبط‌اند و از آن‌جا که کیفیت یا شخصی‌سازی زبان بیش از همه در صناعات بلاغی متن بازتاب دارد، بررسی این بخش در پژوهش‌های سبک‌شناسانه بسیار حائز اهمیت است؛ در شعرهای انتظاری که نگارنده مورد بررسی قرار داده است تقریباً صنایع معنوی بیشتر از صنایع لفظی به کار گرفته شده است و در این میان صنایع بیانی بسامد بالاتری دارد. البته این بسامد همیشه مرتبط با مقوله و مضمون شعری نیست بلکه گاه به قدرت شعری و نگرش شاعر نیز مربوط می‌شود. به عنوان مثال در سبک‌های تشبیهی، این که شاعر بیشتر به سمت تشبیهات حسی متمایل باشد تا تشبیهات ذهنی و انتزاعی، برآمده از ذهنیتی حسی است که نشان می‌دهد نگاه شاعر بیشتر به امور محسوس و عینی یا اصطلاحاً به پوستهٔ اشیاء معطوف است که مسلماً نگرش و سبکی که به واسطهٔ آن حاصل می‌شود با نگرش سبک برخاسته از یک نگاه درون‌گرای متمرکز بر بعد درونی اشیاء و پدیده‌ها، متفاوت خواهد بود. این تفاوت سبکی در مورد استعاره نیز صادق است. این که شاعر در میان پدیده‌ها و اشیاء پیرامون خود چه نسبتی را می‌بیند، چقدر آن‌ها را با یکدیگر یگانه می‌بیند، و چه روحی از خود در آن‌ها می‌دمد، یا در آن‌ها چه تصویری می‌کند، همه به نگرش و ذهنیت او برمی‌گردد و سبک‌شناس نیز در پی یافتن همین پاسخ‌هاست؛ بنابراین سبک هرمتنی براساس بسامد آرایه‌های بلاغی مسلط بر آن سنجیده می‌شود (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۰۳-۳۴۴).

در لایهٔ بلاغی شعر انتظار، ایدئولوژی تقریباً مترادف با محتوا قلمداد می‌شود؛ به این معنا که بلاغت همواره می‌کوشد تا چگونه با قدرت تأثیرگذاری بیشتر محتوای ذهنی و تفکر مهدوی شاعر را منتقل کند. هر الگوی ایدئولوژیکی، صناعات ادبی خاص خود را به خدمت می‌گیرد؛ مثلاً، در متن‌هایی که الگوی ایدئولوژیکی آزادی‌خواهی بر آن‌ها سایه افکنده؛ نوع صنعت ادبی غالب، تعریض و کنایه است و بیشتر در قالب ژانر طنز و هجو

ارائه می‌شود و یا در متن‌هایی که بیشتر ایده‌آل‌گرایی و تعالی‌گرایی یا دنبال کردن مدینه فاضله ذهنی صاحب متن مطرح است، صنعتی که به وفور دیده می‌شود، نماد و رمزپردازی است (همو: ۳۶۰-۳۶۱). چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد در شعرانتظار همین آرایه کارکردی گسترده‌تر دارد. جدول زیر نمایشی از شکل ارتباطی صناعات ادبی با ژانرها و ایدئولوژی متناسب با آن‌هاست که وی ارائه کرده است.

نوع صنعت	ژانر ادبی (شکل کاربرد)	جهان‌گری (شکل استدلال)	ایدئولوژی (شکل دلالت ایدئولوژیک)
مجاز جزء و کل	رمان واقع‌گرا	ارگانیک واقع‌گرا	مارکسیسم، سوسیالیسم
مجاز به دیگر علاقه‌ها	کمدی	نگرش مکانیکی	محافظه‌کاری
استعاره	شعر و رمانس	صورت‌گرایی، احساس‌گرایی	واقعیت‌گریزی و آنارشیزم / فاشیسم
تمثیل (قیاس)	روایت تمثیلی	خردگرایی	اصلاح‌طلبی
کنایه، تعریض و آیرونی	طنز و هجو	بافت‌گرایی	آزادی‌خواهی، لیبرالیسم
نماد و رمز	اثر نمادگرا	مطلق‌گرایی، تعالی‌گرایی	ایده‌آلیسم
پارادوکس	نگارش خودکار	واقعیت‌گریزی	خردستیزی، عصیانگری، آنارشیزم

(همو: ۳۶۱).

چنان‌که در این جدول دیده می‌شود وقتی تفکر شاعر بر پایه تعالی و مطلق‌گرایی باشد نمادها در شعر او گسترش می‌یابند. واژگانی که «چیزی دیگر را از طریق قیاس و تداعی نشان می‌دهد.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۸۱) برای نمونه در حد مجال این مقاله به سه نماد پرکاربرد در شعرانتظار اشاره می‌شود:

۱. روستا

در شعر معاصر «روستا» جایگاه خاص خود را یافته است و شاعران این واژه به طور معمول به خوبی یاد می‌کند؛ چرا که «روستا از نظر او همواره ملازم پاکی و صمیمیت است و نمودی برای بازگشت به گذشته و گریز از حال و رنج‌های ناشی از شهرنشینی، شهری که به نوعی شاعر امروزه آن را نکوهش می‌کند. در شعرانتظار اگر واژه «روستا» به کار رفته، به این دلیل است که شاعر به طور غالب تمایل دارد که مهدی علیه السلام را به روستا نسبت دهد و او را نجیب ببیند» (بهرامیان، ۱۳۸۵: ۱۴۳)

و او بوی گل می‌دهد، بوی سیب و او روستایی است خوب نجیب
(علی‌پور، ۱۳۷۲: ۶۵)

نشان خانه‌ات را از هزاران شهر پرسیدم

مگر آن سوتر است از این تمدن روستای تو؟

(میرشکاک: به نقل از مجاهدی، ۱۳۸۰: ۳۹۸)

و نمونه‌ای دیگر از سلمان هراتی:

مثل درخت و سنگ / در رهگذار باد / در انتظار آمدنت / ایستاده‌ایم / فردا به شهر نور

می‌آیی / از راه روستا / از راه آفتاب ... (هراتی، ۱۳۶۷: ۹۷)

۲. آینه

این واژه از آن جا که ماهیتی صیقلی و انعکاس‌دهنده دارد در طول تاریخ ادبیات برای قلب پاک مورد استفاده قرار گرفته است و شاعر امروز برای بیان تفکر خود و با تصویری که از مهدی موعود علیه السلام دارد این واژه را به صورت نمادین به استخدام می‌گیرد.

و اورنگ اندیشه‌اش آینه است سرش آسمان، ریشه‌اش آینه است
(علی‌پور، ۱۳۷۲: ۶۵)

غبار کدروت بر آینه‌ها ماند و آینه بی‌غبارم توهستی
(وحیدی، ۱۳۸۴: ۲۳)

شود پر، سینه هر آینه از آه نشد فارغ دمی این سینه از آه
نگویم پیش تو افسانه غم مکدر می‌شود آینه از آه
(محمودی، ۱۳۶۵: ۸۸)

و او عرصه بی‌شمار آینه است میان من و او هزار آینه است
(علی‌پور، ۱۳۷۲: ۶۵)

آینه آیین حق، ای صبح موعود ماییم سیمای تو را آینه‌داران
(حسینی، ۱۳۶۳: ۲۹)

۳. پنجره

دست تو باز می‌کند پنجره‌های بسته را

هم تو سلام می‌دهی رهگذران خسته را...

آینه آیین حق، ای صبح موعود

ماییم سیمای تو را آینه‌داران

(محمودی، ۱۳۶۹: ۱۰۰)

... خدا کند ما را تنها نگذارد / وگرنه امیدی به گشودن پنجره بعدی نیست. (هراتی،

۱۳۶۸:۱۰۲)

نتیجه‌گیری

از بررسی‌هایی که در طول این مقاله صورت‌گرفت این نتیجه کلی حاصل می‌شود که در شعرانتظار معاصر، گره‌خوردگی معناداری میان تفکر مهدوی در لایه ایدئولوژیک سبک و لایه‌های مختلف آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی به مثابه دیگر لایه‌های سبکی اثر ادبی وجود دارد. نتایج حاصل از این گره‌خوردگی در هر کدام از لایه‌های سبکی شعر انتظار به تفکیک زیر است:

در لایه آوایی، شاعر، خودآگاه یا ناخودآگاه متناسب با فضای فکری خود، از هم‌آوایی‌هایی بهره برده است که او را در القای معنی مورد نظر خود و تفکری که در پشت واژه‌ها دارد یاری می‌رساند.

در لایه واژگانی، دو گروه واژه‌های عینی و ذهنی به تناسب موضوعی که شاعر در پی بازتاب آن است به استخدام گرفته می‌شوند. در سروده‌هایی با تفکر عینی مثل تولد موعود، واژه‌های ملموس‌تر و در سروده‌هایی با تفکر ذهنی و انتزاعی مثل غیبت و ظهور، واژه‌های ذهنی بیشتر نمود می‌یابند. هم‌چنین آن‌گاه که شاعر، اراده می‌کند زبان خود را متناسب با موضوع، فخامت ببخشد از واژه‌های فاخر و به اصطلاح آرکائیک استفاده می‌کند.

در لایه نحوی بیشترین نمود گره‌خوردگی اندیشه و سبک، در وجهیت گزاره‌ها دیده می‌شود. به گونه‌ای که گزاره‌های مسلط در شعرانتظار، به تناسب فضای التماس‌آمیز و تقاضامندی که برای ظهور وجود دارد به سمت گزاره‌های تمنایی گرایش می‌یابد.

در لایه بلاغی، با توجه به تفکر ایدئالیستی و کمال‌گرایانه‌ای که بر شعرانتظار حاکم است، وجه غالب، نمادپردازی می‌شود.

منابع

- احمدی، بابک، *ساختار و تأویل متن*، تهران: مرکز، چهارم، ۱۳۷۸.
- اسکارپیت، روبن، *جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: سمت، ۱۳۷۴.
- امیری اسفندقه، مرتضی، *گزیده ادبیات معاصر*، تهران: کتاب نیستان، اول، ۱۳۷۸.
- امیری خراسانی، احمد؛ صدقیان زاده، قاسم، «بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین پور و سلمان هراتی»، *نشریه ادبیات پایداری*، سال سوم، شماره ۵، ۱۳۹۱.
- باقری، مهری، *مقدمات زبان‌شناسی*، تهران: قطره، هفتم (ویرایش جدید)، ۱۳۸۳.
- بالیبار، آتین؛ ماشری، پیر، «در باب ادبیات به مثابه شکل ایدئولوژیک»، ترجمه ماندانا منصوری، *مجله هنر و معماری: زیباشناخت*، شماره ۱۷، ۱۳۸۶.
- بهرامیان، زهرا، «*ادبیات انتظار در شعر بیست شاعر معاصر بعد از انقلاب اسلامی*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۵.
- بیابانکی، سعید، *چقدر پیچره*، تهران: شهرستان ادب، اول، ۱۳۹۲.
- حافظ، شمس‌الدین محمد، *دیوان* (به کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی)، تهران: بی‌نا، ۱۳۷۷.
- حسین‌خانی، حامد، *از این بهشت موازی*، تهران: تکا، اول، ۱۳۸۷.
- حسینی، سید حسن، *همصدا با خلق اسماعیل*، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۶۳.
- حق‌شناس، علی محمد، *آواشناسی (فنونیک)*، تهران: آگاه، ۱۳۸۸.
- خسروی، کبری؛ چراغی‌وش، حسین؛ بابایی، حدیث، «بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر معاصر فارسی و عربی (مطالعه مورد پژوهانه: اشعار سیدرضا موسوی هندی، شیخ محسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین پور)»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۳۹۲.
- خلیلی جهان‌تیغ، مریم، *سیب باغ جان* (جستاری در ترفندها و تمهیدات هنری غزل هنری مولانا)، تهران: سخن، اول، ۱۳۸۰.
- دلبری، حسن؛ قوام، ابوالقاسم؛ فاطمی، سید حسین؛ بامشکی، سمیرا، «غزل نوکلاسیک و لایه‌های ایدئولوژیک سبک در آن»، *مجله ادبیات انقلاب اسلامی*، دوره اول،

- شمارهٔ اول، ۱۳۹۳.
- دلبری، حسن؛ مهری، فریبا، «کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنگ وزیر»، *متن‌شناسی/ادب فارسی*، دورهٔ جدید، شمارهٔ ۲ (پیاپی ۲۶)، ۱۳۹۴.
 - سبزدرسبزر (برگزیدهٔ اشعار پنجمین کنگرهٔ شعر طلاب)، به کوشش دفتر آفرینش‌های ادبی و هنری طلاب، بی‌جا: سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۶.
 - شاه‌رخ، محمود، *اعجاز درد*، تهران: تکا، اول، ۱۳۸۶.
 - شکارسری، حمیدرضا، *باز جمعه‌ای گذشت*، تهران: حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۵.
 - شهودسبزر (برگزیدهٔ اشعار ششمین کنگرهٔ شعر طلاب)، به کوشش دبیرخانهٔ کنگرهٔ سراسری شعر و قصهٔ طلاب)، بی‌جا: حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۸.
 - صالحی، بهمن، *باغ کاغذی*، تهران: تکا، اول، ۱۳۸۶.
 - صدیقی، مصطفی، *قلمرو نقد و نظریهٔ ادبی*، شیراز: نوید، اول، ۱۳۹۰.
 - صرفی، محمدرضا؛ ونارجی، مژگان، «سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفارزاده (لایهٔ آوایی و واژگانی)»، *نشریهٔ ادبیات پایدار*، سال هفتم، شمارهٔ ۱۲، ۱۳۹۴.
 - طاهریان، امیرمسعود، *صبحدم با ستارگان سپید: نگاهی به بیست و پنج سال شعر مذهبی ایران*، مشهد: شرکت به نشر، اول، ۱۳۸۱.
 - طهماسبی، قادر (فرید)، *عشق بی غروب*، تهران: حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۵.
 - علوی‌مقدم، مهیار؛ بهرامیان، زهرا، «بررسی واژه‌شناختی زبان شعرانتظار» *نشریهٔ ادبیات پایدار*، سال اول، شمارهٔ ۲، ۱۳۸۹.
 - علی‌پور، مصطفی، *از گلوی کوچک رود*، تهران: حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۲.
 - فتوحی رودمعجنی، محمود، *سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)*، تهران: سخن، اول، ۱۳۹۰.
 - فرکلاف، نورمن، *تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمهٔ فاطمه شایسته‌پیران و دیگران، تهران: مرکز

- مطالعات و تحقیقات رسانه، ۱۳۷۹.
- قویمی، مهوش، *آوا و القا*، رهیافتی به شعر اخوان ثالث، تهران: هرمس، اول، ۱۳۸۳.
- کاظمی، محمد کاظم، *شمشیر و جغرافیا*، مشهد: سپیده باوران، اول، ۱۳۹۲.
- مجاهدی، محمد علی، *سیمای مهدی موعود (علیه السلام) در آئینه شعر فارسی*، قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۰.
- محدّثی خراسانی، زهرا، *شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن*، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، دوم، ۱۳۸۹.
- محمودی، سهیل، *دریا در غدیر*، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، دوم، ۱۳۶۵.
- _____، *فصلی از عاشقانه‌ها*، تهران: همراه، اول، ۱۳۶۹.
- میرجعفری، سید اکبر، *گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر ۶۱)*، تهران: نیستان، اول، ۱۳۷۸.
- وحیدی، سیمین دخت، *هشت فصل سرخ و سبز*، چاپ اول، انتشارات برگ زیتون، تهران: ۱۳۸۴.
- وحیدیان کامیار، تقی، *نوی گفتار (تکیه، آهنگ، مکث در فارسی)*، تهران: دانشگاه فردوسی مشهد، اول، ۱۳۷۹.
- وحیدیان کامیار، تقی؛ عمرانی، غلامرضا، *دستور زبان فارسی (۱)*، تهران: سمت، نهم، ۱۳۸۶.
- وردانک، پیتر، *مبانی سبک‌شناسی*، ترجمه محمد غفّاری، ویراست ۲، تهران: نشرنی، دوم، ۱۳۹۳.
- هراتی، سلمان، *از این ستاره تا آن ستاره*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۷.
- یارمحمدی، لطف‌الله، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس، ۱۳۸۳.
- Black, Elizabet, *Pragmatic stylistics*, Edinburgh university press, 2006.
- Leech, Geoffrey and M. Short, *Style in fiction: A Linguistic Introduction to English Fictional prose*: Longman, 1981.
- Simpson, P. *Stylistics: A Resource Book for Students*. London Routledge, 2004.